

«حکمرانی خوب، در اندیشه سیاسی ایران شهری»
(GOOD GOVERNANCE, IN IRANIN POLITICAL THOUGHTS)

سید محسن نورانی

SAYED MOHSEN NOURANI

سرشناسه: نورانی، سیدمحسن، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور: حکمرانی خوب، در اندیشه سیاسی ایران شهری/
نویسنده سیدمحسن نورانی.
مشخصات نشر: امل، ورسه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۰-۱۱-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: کشورداری
موضوع: کشورداری - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع: اسلام و سیاست
موضوع: ایران - سیاست و حکومت
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ج۸ ن/۹۸/۱۴۴۹
رده بندی دی‌سی: ۳۲۰/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۸۹۱۹



نشر ورسه

امل میدا، صفت تیر، خیابان فرهنگ،

جنبه کتاب، رشی شباویز

۱۳۱-۲۲۱۶۶۱

www.varseh.com

حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی ایران شهری

نویسنده: سید محسن نورانی

طراح و صفحه آرا: ستاره محمدقلی نژاد

طراح جلد: شاهد دازابی

ویراستار: اکرم امیرکلانی

چاپ و صحافی: سیرنگ

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق محفوظ و متعلق به انتشارات ورسه می‌باشد.

فهرست

صفحه	توان
۸	پیش‌گفتار
۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: مکتب اندیشه سیاسی ایران شهری
۱۶	نظم کیهان‌شمارختی و شاهی آرمانی
۱۹	فره ایزدی
۲۶	پیوند دین و دولت
۳۲	عدالت و دادگستری
۴۰	قدرت مذهبی طبقه روحانیان
۴۲	جنبش سیاسی و اجتماعی مزدک و تشریف
۴۳	نقش و جایگاه وزیر در مقام پادشاهی ایران
۴۵	فصل دوم: مختصری از تاریخ سیاسی ایران باستان
۴۶	ورود آریایی‌ها به ایران
۴۷	مادها و تأسیس دولت
۴۹	هخامنشیان و تثبیت امپراتوری
۵۵	سلوکیان
۵۵	اشکانیان و تأثیر فرهنگ هلنی
۵۸	ساسانیان و احیاء امپراتوری و تدوین ایدئولوژی نوین
۶۱	شاهی آرمانی و خودکامگی
۶۶	نتیجه

۶۹	فصل سوم: اندیشه سیاسی در اسلام
۷۰	ایران و اسلام
۷۶	اندیشه سیاسی در اسلام
۷۷	خلافت (اهل سنت)
۷۹	اندیشه سیاسی شیعه
۸۰	امامت
۸۳	عصمت
۸۴	نظریه غیبت و ظهور منجی
۸۶	عدالت
۹۱	ولایت فقیه
۹۳	عرفان
۹۷	استقلال طلبی ایرانیان و انیاء سلطانیسم
۱۰۲	نتیجه
۱۰۵	فصل چهارم: آیین حکمرانی حوسه در سده ششم هجری قمری و سده اول و دوم خورشیدی
۱۰۶	وضع ادبی ایران در دوره اسلامی
۱۱۴	پیوند دین و دولت
۱۲۱	فره ایزدی
۱۲۶	عدالت و دادگری
۱۷۳	سنت بارعام
۱۷۸	مدارا و تسامح
۲۰۰	فردوسی و مدارا
۲۰۲	شایسته سالاری
۲۰۴	مصلحت اندیشی
۲۱۳	نتیجه
۲۱۸	منابع

پیشگفتار

بی‌تردید داشتن یک تئوری خوب لازمه عملگرایی است و تئوری خوب زمانی به دست می‌آید که بر پایه استعدادهای، امکانات، سنت‌ها و دستاوردهای تاریخی یک جامعه بنا شده باشد. تجربه کشورداری و تشکیلات اداری و دیوانی منظم یکی از ویژگی‌های تاریخ سیاسی ایران می‌باشد تا آنجا که ایرانیان را مبدع و آموزگار فن مملکتداری و تشکیلات دیوانی می‌دانند که در سایه آن بزرگ‌ترین امپراتوری‌های ایرانی اداره می‌شده است. اما با ورود به دنیای جدید و با به چالش کشیدن کشورداری سنتی و تجربه انواع شیوه‌های کشورداری در دنیای امروزی، روشنفکران و اندیشمندان جامعه ایرانی نیز با چالش‌ها و سؤال‌های جدی روبرو شده‌اند. دغدغه اصلی روشنفکران و کنش‌گران سیاسی در ایران آن است که چگونه بتوان به شیوه‌ای از کشورداری دست یافت تا با انتهای تکلیفی، فرهنگی جامعه در تصادم و تقابل قرار نگرفته و بتوان از بستر آن سنت‌ها و دستاوردهای مثبت اندیشگی ایرانی و ترکیب و تلفیق آن با دستاوردهای تجربه شده بیاموزد. جدید به یک حکمرانی خوب و کارآمد دست یافت. کتاب حاضر که بر پایه تز دکترای انجانب - البته با تغییرات و افزودنی‌هایی - تدوین شده بر آن است تا با جستجو و کنکااش در رنجینه‌های فرهنگی و ملی ایرانیان که در متون سیاسی ادبیات کلاسیک فارسی بهفته است، به شناسایی و قرابت و خویشاوندی اندیشه‌های قدیم و جدید کمک نماید. این کتاب در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است که فصل اول آن به اندیشه سیاسی قبل از اسلام پرداخته و در فصل دوم، تاریخ سیاسی ایران باستان را مورد بررسی قرار داده است. در فصل سوم به اندیشه‌ی سیاسی اسلام و در فصل چهارم به چگونگی تلفیق و ترکیب این دو اندیشه و بازتاب آن در مهم‌ترین متون ادب فارسی اختصاص یافته است. اثر حاضر صرفاً دغدغه‌های ذهنی بنده بوده و ادعای نظریه‌پردازی در این زمینه را ندارد. امیدوارم صاحبان اندیشه، این مختصر را به دیده اصلاح و ارشاد بنگرند و بنده را به رفع نواقص و معایب آن هدایت و راهنمایی نمایند. در اینجا بر خود فرض می‌دانم از راهنمایی‌های استاد خوبم، جناب آقای پرفسور گارتیک آساطوریان، نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم.

اسفند ۱۳۹۲

سیدمحسن نورانی

مقدمه

بحث درباره حکومت و حکمرانی، از پیدایش شهر (polis) و شهرنشینی آغاز گردید، چرا که الزمه شهرنشینی، تمرکز جمعیت در نقاط خاص با اهداف مشترک جهت آسایش نیازهای روزمره زندگی است. بر این اساس باید نهاد، فرد و یا افرادی جهت تضمین عیش و مدیریت آن، انتخاب یا ظهور کنند. به دنبال آن درباره اینکه چه کسی یا کسانی و با چه شیوه‌ای باید کشور و جامعه را اداره کنند، گفتگوهای زیادی صورت گرفته و تئوری‌های زیادی پرداخته و کتاب‌های زیادی نگاشته شده است. به نظر می‌رسد که اولین تئوری سیاسی بدون درباره روش‌های کشورداری و حکمرانی، در یونان باستان مطرح شده است. برای نمونه، ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد، در کتاب "سیاست" خود، درباره انواع و اشکال مختلف حکمرانی سخن گفته و به تفصیل درباره هر کدام از آنان توضیح داده است. به طور کلی چهار نظریه درباره شیوه حکمرانی و کشورداری شکل گرفته است که ریشه همه این نظریه‌ها، به نظریه پردازان سیاسی دوران یونان باستان برمی‌گردد^۱ که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- نظریه فرمانروایی الاهی
 - ۲- نظریه کمال‌خواهی (افلاطون)
 - ۳- نظریه فرودستی طبیعی (ارسطو)
 - ۴- نظریه مبتنی بر رضایت عمومی (دموکراسی)
- البته سه نظریه سیاسی نخست عمدتاً اما نه کاملاً، در جهان مدرن رد

۱- همپتن جین، فلسفه سیاسی، مترجم دیهیمی خشایار، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵

شده‌اند و نظریه چهارم که همانا نظریه مبتنی بر رضایت عمومی در قالب دموکراسی و انتخابات آزاد است، با اقبال وسیع‌تری روبرو شده و به اصلی‌ترین تئوری در دنیای معاصر، بخصوص از نیمه دوم قرن بیستم و تا زمان حال تبدیل شده است.

اما در کنار آن و موازی با نظریه سیاسی دموکراسی و رضایت و رأی و نظر جمعی - که به تفکر غالب و پارادایم^۱ اصلی حکمرانی در دنیای معاصر تبدیل شد است - گفتمان^۲ حکمرانی خوب^۳ به عنوان تئوری و نظریه‌ای فراگیرتر و جامع‌تر از نظریه سیاسی دموکراسی، به شبه پارادایم دو دهه اخیر تبدیل شد، است.

گرچه اصطلاح "حکمرانی خوب" از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد عرصه ادبیات سیاسی شده، به شبه پارادایم حوزه حکمرانی و مدیریت تبدیل گردید اما مضمون و مفردات آن قدمتی به اندازه تمدن بشری دارد. در فلسفه سیاسی قدیم، ویژگی‌های - که این خوب نقطه محوری پرسش‌ها بوده است، اما ویژگی‌های حکمرانی خوب و زمینه‌های اجتماعی آن، نقطه محوری پرسش فلسفه سیاسی جدید است، که این مسئله ناشی از وضعیت اجتماعی جوامع مدرن است. در گذشته تنها متغیری که مردم با آن مواجه بودند و امکان تغییر آن برایشان متصور بود، ویژگی‌های شخص حاکم بود اما در حال حاضر، ویژگی‌های شخص حاکم در درجه چندم اهمیت قرار دارد.

ویژگی‌های حکمرانی خوب در دنیای جدید، با توجه به پیچیده شدن روابط و به تبع آن گسترده شدن مسائل و معضلات مبتلا به جامعه شهری، از جمله متغیرهای اساسی و تأثیرگذار دنیای امروز است که بالتبع با ویژگی‌ها و شرایط دنیای قدیم متفاوت است. تحولات دنیای کنونی شکل جدیدی به جامعه شهری و روابط آن داده است. جامعه نوین شهری ویژگی‌هایی چون: ناهمگونی جمعیتی، تحرک اجتماعی بالا، تفکیک و قشربندی اجتماعی گسترده و

paradaym-۱

discours-۲

Good governance-۳

سازماندهی اجتماعی و سیاسی، به همراه مطالبات گوناگون و پراکنده سیاسی، اجتماعی و مدنی شهروندان، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط جدید میان آنان و حکومت‌های محلی (دولت شهر) شده است. با این همه دانشمندان علوم سیاسی و مدیریتی تعاریف زیادی درباره حکمرانی خوب ارائه داده‌اند که مهم‌ترین عناصر مشترک آن به شرح زیر است:

منظور از حکمرانی خوب، اداره امور کشور بر اساس دموکراسی، حاکمیت قانون و دستگاه قضایی مؤثر و ... است که هدف از آن افزایش سطح کیفیت زندگی شهروندان و رفع نیازهای اساسی آنها می‌باشد که در نهایت توسعه پایدار انسانی را به ارمغان می‌آورد. اصول بنیادین و جهانی حکمرانی خوب عبارتند از: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، فضای باز سیاسی، مشارکت، مدارا و تساهل، پاسخ‌گویی و شفافیت، مؤثر بودن نظام اداری و اصلاح خدمات دولتی و وجود بخش خصوصی نوآزمند، شایسته‌سالاری، وجود نهادهای مدنی قوی، کنترل فساد و کیفیت قرنیه، مقررات. به عبارتی ساده‌تر: «یکی از معیارهای اصلی حکمرانی خوب، میزان توجه به مصلحت و منافع ملی است. حکومت درست آن است که نفع عموم مردم را در نظر بگیرد و [در مقابل] حکومت نادرست آن است که نفع زمامداران را در نظر بگیرد.»^۱

نگارنده بر آن است تا در این پژوهش با جستجو در متون تاریخی و ادبی و روایی موجود در زبان فارسی، نحوه کشورداری ایرانیان و آیین حکمرانی و حاکمان مطلوب را از نظر آنان بررسی نماید و با سازگاری حداقلی و تطبیق یافته، مؤلفه‌های حکمرانی خوب در دنیای امروز را در سخنان و عملیات حاکمان ایرانی با تمرکز بر سیاستنامه‌ها و اندرزنامه‌های فارسی از قرن (۴ تا ۸ هجری) برابر (۱۰ تا ۱۶ میلادی) از جمله شاهنامه فردوسی، کلیله و دمنه، سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی، قابوسنامه اثر عنصرالمعالی قابوس بن اسکندر، بوستان و گلستان سعدی، نصیحت‌الملوک غزالی و ... تطبیق نماید.

۱- پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۸۸، ص ۸۰.

چرا که به نظر نگارنده، آثار مذکور حاملان و انتقال‌دهندگان اصلی اندیشه سیاسی ایرانی شهری می‌باشند که در قالب‌های ادبی، تاریخی و اندرزنامه و سیاستنامه‌نویسی تبلور یافته‌اند.

به عبارت دیگر این آثار، انتقال‌دهندگان و پیوندزندگان اندیشه سیاسی ایرانی شهری به دوره اسلامی هستند که با ورود اسلام به ایران و اضمحلال نظام سیاسی شاهی آرمانی به دست اعراب، بعد از دو سه سده فترت، دوباره در قالب "سلطنت‌انیم" خود را بازسازی کرده‌اند.

توجه به نظر می‌رسد با پارادایم‌های دنیای جدید به سراغ تاریخ و اتفاقات سیاسی و اجتماعی گذشته رفتن، کاری درست و منطقی به نظر نمی‌رسد ولی به هر حال برای ساختن اکنون و آینده بشری، نیازمند جستجو و کنکاش در گذشته‌ایم، هر چند اگر در این گذشته، نشانه‌های حدقلی از خرد و آزادی نیابیم و هر چه بنگریم سخت‌گویی، استبداد باشد و بس؛ باز باید تلاشی درخور، برای هر چه روشن‌تر کردن این گذشته‌ها کنیم تا با تکیه بر آنها به جامعه‌ای مدرن و مدنی برسیم.

نویسندگان و پژوهندگان، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران را به دو قسمت اساسی و مهم، یعنی ایران باستان (ایران پیش از اسلام) و دوره میانه (اسلامی) تقسیم نموده‌اند. نگارنده نیز بر اساس این تقسیم‌بندی، در فصل اول این پژوهش به مبانی اندیشه سیاسی ایرانی شهری پرداخته و فصل دوم آن را به دوره‌ی باستان اختصاص داده و نحوه شکل‌گیری و استمرار آن به دوره اسلامی را بررسی نموده است، چرا که خاستگاه اصلی اندیشه سیاسی ایرانی شهری به این دوران بر می‌گردد، که در تحولات تاریخی از دوره‌ای به دوره دیگر، برخی از عمده‌ترین درون‌مایه‌های خود را حفظ کرده است. به عبارت دیگر، برخی از عناصر مهم اندیشه سیاسی ایرانی از دوره‌های کهن تا دوره باستان و از آنجا تا دوره اسلامی، به صورت‌های گوناگون به حضور و نفوذ خود ادامه داده است. «اندیشه سیاسی در ایران از نظریه شاهی آرمانی تا ولایت فقیه، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ درون‌مایه‌ها و مضمون سیاسی، راهی

طولانی را طی کرده است اما عناصر مشترکی نیز این دو نظریه را به هم پیوند می‌دهد.^۱ در فصل سوم به بررسی اندیشه سیاسی اسلام پرداخته و نحوه مواجهه ایرانیان با دین و آیین جدید و میزان تأثیر و تأثر متقابل آنها را بیان نموده‌ایم. در فصل چهارم که عمده‌ترین هدف این رساله می‌باشد، به بررسی چگونگی انتقال اندیشه سیاسی ایران باستان در قالب اندرزنامه‌ها و سیاستنامه پرداخته و روش‌ها و آیین حکمرانی و شورداری خوب و مطلوب را از زاویه نثر سیاستنامه‌ها و اندرزنامه‌نویسان بیان نموده و نمونه‌هایی از بهترین دستورات حکما و اندرزهای سیاسی را که از ذهن و زبان متفکران و نویسندگانی چون فردوسی، بوعلی سینا، مولوی و غزالی تراویده و در کتاب‌ها نقش بسته و یا توسط سیاستمداران بزرگ و باتجربه‌ای چون خواجه نظام‌المک طوسی، بزرگ‌ترین وزیر امیرنوری دوره سلجوقیان، (قرن پنجم هجری) در کتاب سیاستنامه و عنصرالمعانی که تاکنون در کتاب قابوسنامه نوشته شده، به عنوان شاهد مثال آورده‌ایم.

اندیشه سیاسی در ایران و اسلام با استفاده از رویکردهای زیر ساخت اصلی بنا نهاده شده است:

۱- نظریه شاهی آرمانی بر پایه نگاه آسمانی و کیهان شناختی.

۲- جهان بینی دینی یا پیوند دین و دولت.

این دو ویژگی، عمده‌ترین مشخصه اندیشه سیاسی در ایران است که تفاوت عمده‌ای با اندیشه سیاسی در غرب دارد. پایه و اساس اندیشه سیاسی در غرب، ماورالطبیعه است که توسط فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو پی‌ریزی شده است اما در ایران، اندیشه سیاسی به شالوده جهان بینی دینی وابسته ماند. این امر موجب شد که اندیشه سیاسی در ایران نتواند به شیوه اندیشه سیاسی غربی، مراحل بیابایی تکامل را بپیماید و به جایگاهی برسد که مشخصه اندیشه سیاسی جهان امروز است. در زیر به بنیان‌های تئوریک این دو مسئله و چگونگی شکل‌گیری و استمرار آن اشاره می‌نماییم. در ابتدا به توضیح نظریه شاهی آرمانی و نظم کیهانی خواهیم پرداخت.